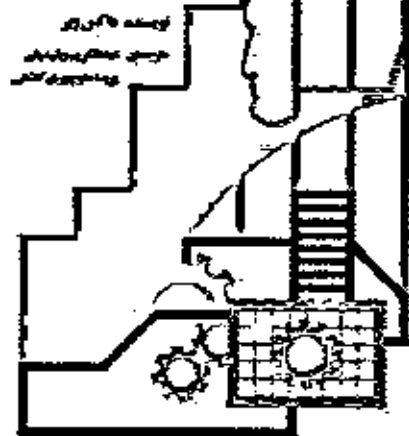


اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری



فصل دهم روح سرمایه‌داری

جعفر محمدی

این کتاب دو بخش دارد که بخش اول شامل سه فصل و بخش دوم شامل دو فصل است. یکی از نقاط قوت کتاب هم البته با حفظ جایگاه رفیع ویر، مقدمه‌ای انگلیسی است که آنتونی گینز بر آن نوشته است.

گینز معتقد است که ویر قبل از هر چیز میان سرمایه‌داری و جستجوی فی‌نفسه منفعت تمایز قائل می‌شود چرا که میل به ثروت همواره وجود داشته و در ذات خود هیچ از تاملی با عمل سرمایه‌داری ندارد. گینز متذکر می‌شود که از نظر ویر، پیوریتانیسم به خلق «ففس آهنینی» که انسان جدید مجبور به زندگی در آن است (یعنی یک نظم بوروکراتیک دائم‌التراژد) پاری می‌رساند وی در انتها به پنج افتخار امشی می‌پردازد که توسط اندیشمندان مختلف به نظریات ویر وارد شده است. وی معتقد است که برخی منتقدان ویر راه به خطا برده و انتقادات برخی دیگر از توان قایل ملاحظه‌ای بر خوردار است.

خود ویر نیز مقدمه‌ای مفصل بر این کتاب نوشته و در همان ابتدا می‌پرسد: «پیدایش آن پدیده‌هایی از تمدن را که در غرب و فقط در غرب خط مسیری تکاملی و اختیاری جهت‌شمار را طی کرده‌اند باید به کدام ترکیب از موقیبت‌ها نسبت داد؟»

ویر با مقایسه تلویحی تمدن غرب و شرق سعی در نشان دادن برتری نسبی غرب به شرق دارد. وی خاطر نشان می‌کند که حرص بی‌پایان برای تحصیل ثروت به هیچ وجه با سرمایه‌داری یکی نیست تا چه رسد به روح آن. بلکه سرمایه‌داری می‌تواند بیشتر با رام کردن این غریزه غیر عقلانی یا لافل یا تعدیل عقلانی آن یکسان باشد. در حقیقت سرمایه‌داری مساوی است با جستجوی منفعت از طریق فعالیت مستمر، عقلانی و سرمایه‌داری در پی منقشی همواره تجدید شونده عمل اقتصادی «سرمایه‌داری» عملی است که بر انتظار کسب منفعت از طریق بهره‌برداری از امکانات مبادله، یعنی بر امکانات (از نظر صوری) مسالمت آمیز کسب سود متکی باشد.

وی با پرداختن به انواع فعالیت‌های سرمایه‌داری در اقصی نقاط جهان، سرمایه‌داری در غرب را به گونه‌ای متفاوت از سایر نقاط ارزیابی می‌کند و معتقد است که این نوع سرمایه‌داری در دیگر ممالک در مراحل اولیه تکامل متوقف مانده است. وی تفاوت را در وجود یک چیز می‌داند و آن وجود «سازمان عقلانی» سرمایه‌داری کار (از نظر صوری) آزاد، در غرب است.

اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری

ماکس ویر
مترجمان: عبدالکریم رشیدیان، پریسا منوچهری
کاشانی
علمی و فرهنگی
۱۳۸۵

ویر این کتاب را با طرح یک سؤال آغاز می‌کند: چگونه برخی باورهای مذهبی، پیدایش یک «ذهنیت اقتصادی» یا به عبارت دیگر «خلق و خوی» یک شکل اقتصادی را ایجاد کرده‌اند؟

مسئله

ویر در فصل اول از بخش اول با استناد به آمار نشان داد که کشورهای مختلف نشان می‌دهد که سرمایه‌داری در اغلب به فرقه پروتستان تعلق دارند. این مسئله معلول شرایط تاریخی است که در آن شرایط تعلق مذهبی، نه علت بلکه تا حدود معینی معلول پدیده‌های اقتصادی است. وی علت تمایل شدید به انقلاب در کلیسا، در پیشرفته‌ترین مناطق اقتصادی را راهی از مستقری اقتصادی می‌داند. احتمال دیگر این است که سهم افزون‌تر پروتستان‌ها در مالکیت سرمایه ممکن است تا حدودی معلول سهم بیشتر آنها از ثروت موروثی تلقی شده چرا که جنبش اصلاح کلیسا در مناطق ثروتمندتر طرفداران بیشتری پیدا کرد. ویر، خیلی زود از این مرحله گذشته و عواملی را معرفی می‌کند که بدون شک نمی‌توان آنها را بر این مینا تحلیل کرد. ویر در پی یافتن عوامل خاصی از مذاهب است که تفاوت در رفتار اقتصادی آنها را موجب می‌شود.

تصورات جدیدی وجود دارد که خصیلت «تارک دنیاایی» و ریاضت‌گشانه‌تر کاتولیسیسم را علت بی‌اعتنایی طرفداران این مذهب به امور مادی می‌داند. ویر با زیر سؤال بردن این اعتقاد به شواهدی از تاریخ مذاهب فوق اشاره کرده و این تصور ساده‌انگارانه را به سخره می‌گیرد.

در فصل دوم از بخش اول «روح سرمایه‌داری» ویر معتقد است که هر کوششی برای ارائه نوعی تعریف از «روح سرمایه‌داری» دشواری‌های این مسئله را آشکار می‌سازد. وی بدین منظور از مفهوم «قدرت تاریخی» استفاده می‌کند؛ یعنی مجموعه در هم بافته‌ای از عناصر به هم پیوسته در یک واقعیت تاریخی که ما آنها را از نظر معنای فرهنگی‌شان در یک کل مفهومی متحد می‌کنیم. اما چون این مفهوسون یعنی «روح سرمایه‌داری» دارای خصیلتی منحصر به فرد است باید در تعریف آن به اجزاء منفردش توجه کرده و این اجزاء را یک به یک از واقعیت تاریخی استنتاج کرد. به دلایل فوق، ویر معتقد است که مفهوم نهایی مورد نظر فقط می‌تواند در پایان پژوهش و نه در آغاز آن پدیدار شود. وی با آوردن مضامینی از نوشته‌های بنیامین فرانکلین سعی دارد تا «روح سرمایه‌داری» را تعریف کند. ویژگی «روح سرمایه‌داری»، ایندلال جلوه‌دهان انسان در ستکار و بالاتر از همه اعتاد ایده تکلیف‌فرد در قبال افزایش سرمایه خویش به مثابه عیاشی فی‌نفسه است. عباراتی که فرانکلین در زمینه منظم شمردن ثروت بیان می‌کند نه صرفاً طریقه‌ای برای امرال معاش در زندگی، بلکه اخلاق ویزماری را موعظه می‌کند که تخلف از قواعد آن نه تنها حماقت، بلکه نوعی فراموش کردن تکلیف به شمار می‌رود و موضوع اصلی نیز همین است. البته استناد به فرانکلین به معنای قبول بی‌چون و چرای نظریات وی از طرف ویر نیست، بلکه این کار بیشتر به خاطر روشن شدن مرزهای مفهومی «روح سرمایه‌داری» صورت گرفته است.

اصطلاح «روح سرمایه‌داری» به روحیاتی اخلاقی می‌شود که با تکیه بر یک روش عقلانی از طریق عمل به شغل به مثابه تکلیف، به دنبال تحصیل سود است.

ویر در فصل سوم این بخش مفهوم Beruf از دیدگاه لوتر را مورد مناقه قرار می‌دهد. Beruf در آلمانی یعنی رسالت در زندگی و حوزه مشخص کار فرد. مفهوم Beruf بیانگر آن جزه‌محوری همه‌شانه‌های پروتستانی است که تقسیم کاتولیکی احکام اخلاقی به «دستورات» و «نشرات»، آن را طرد نمود. زندگی خدایپسندانه نه با توسل به ریاضت‌گشی زاهدانه، بلکه فقط با انجام وظایف دنیوی که جایگاه هر فرد در زندگی برای وی مقرر کرده است، میسر است و این همان «تکلیف» یا Berufe است. لوتر در نخستین سال‌های

فعالیت خود به عنوان یک اصلاح‌گر تعبیری ماهیتاً دنیوی از شغل داشت. اما رفته رفته هر چه در امور دنیوی درگیر شد، برای شغل اهمیت بیشتری قائل شد و در پایان مفهوم Beruf برای لوتر چیزی است که انسان باید آن را همچون فرمان خدا بپذیرد و خود را با آن سازگار کند.

اخلاق شغلی در پروتستان‌تیسیم ریاضت‌گشانه

در فصل اول بخش دوم کتاب چهار شکل اصلی از پروتستان‌تیسیم ریاضت‌گشانه قابل تشخیص است: ۱- کالوینیسم ۲- پینسم ۳- متودیسیم ۴- فرقه‌هایی که از جنبش پینسم نشأت گرفتند.

کالوینیسم باوری بود که کش حکمش‌های عظیم میلی و فرهنگی را در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری قرون شانزدهم و هفدهم دامن زد. مهم‌ترین آموزه مناقشه برانگیز این شاخه از پروتستان‌تیسیم، آموزه تقدیر است که تا زمان نگارش کتاب نیز به قوت خود باقی بود.

جنبش پینسم نیز همانند کالوینیسم مبتنی بر «تقدیر الهی» بوده است. تقریباً تمام نمایندگان بر جسته پیوریتانیسم گاهی هم در زمره پینسم‌ها به شمار می‌آمده‌اند.

مشخصه متودیسیم بی تفاوتی فزاینده نسبت به مباحی جزئی ریاضت‌گشی کالوینیستی و حتی طرد آن است که با روحیه مذهبی احساسی ترکیب می‌شود. متودیسیم یعنی ماهیت منظم و با قاصده رفتاری به منظور حصول یقین به ارزش که البته علی‌رغم همه اختلافات موجود، نوعی سخت‌بین میان این فرقه و برخی گرایش‌های پینسم اصلی به چشم می‌خورد. با این وجود ویر در نهایت به این نتیجه می‌رسد که متودیسیم هیچ نکته جدیدی به روند تکامل ایده Beruf اضافه نکرد و به همین دلیل باید از تحلیل‌ها کنار گذاشته شود.

رویکرد پینسمی بیشتر عبارت بود از حصول آموزش باطنی و روحی که توسط الهام فردی، عمل روحی الهی در فرد تحقق می‌پذیرفت.

در فصل دوم این بخش از کتاب ویر به تشریح نظریات و چهاردها کاستر در مورد اخلاقیات پروتستانی می‌پردازد. از نظر باکستر، ریاضت‌گشی دنیوی خواستار یک شخصیت با قاصده و منظم است و این امر تنها با داشتن یک شغل «ثابت» امکان‌پذیر است. بنابراین ثروت تنها وقتی از نظر اخلاقی مذموم است که وسوسه‌ای برای التناذ گناه آلود از زندگی باشد و جستجوی آن فقط هنگامی مذموم است که با نیت زندگی غشش‌آمیز در آنیه توأم باشد. اما به عنوان انجام وظیفه شغلی نه فقط مجاز، بلکه واجب است.

ویر معتقد است که تملی ادبیات ریاضت‌گشانه تقریباً در تملی فرقه‌ها از این وجه نظر اشباع است که کار صادقانه حتی با دستمزد اندک، از جلب کسلی که زندگی، هیچ پخت دیگری برایشان فراهم نمی‌آورد بسیار خدایپسندانه است. ریاضت‌گشی پروتستانی چیزی به این مسئله اضافه نکرد بلکه به آن تعمیق بخشید و این ایده را ترویج کرد که کار به عنوان تکلیف (Beruf) بهترین وسیله اطمینان از آموزش است. در نهایت، ویر نتیجه می‌گیرد که یکی از عناصر بنیادی روح سرمایه‌داری جدید یعنی شیوه زندگی عقلانی بر مبنای ایده شغل به عنوان تکلیف (Beruf)، از روحیه ریاضت‌گشی مسیحی زاده شده است.

نتیجه این که فرق پروتستانی، حاملان ریاضت‌گشی دنیوی بوده و قوی‌ترین منافع فردی مربوط به حرمت اجتماعی شخص را در خدمت اهداف تربیت انسانی قرار می‌دهند. در نتیجه، انگیزه‌های فردی در خدمت لسانه اخلاق «بورژوازی» پیوریتانی درآمد و نقش تعیین‌کننده‌ای در قدرت نفوذ آن ایفاء می‌کنند.

این نحوه زندگی پیوریتانیسم است که به نحو روشمند و عقلانی تعیین شده و در شرایط معین راه «روح» سرمایه‌داری جدید را هموار کرده است. در همه انواع پیوریتانیسم فواید روانشناختی منوط به «قبولی» انسان در پیشگاه خدا به معنی کسب اطمینان از آموزش بود و در دوران فرقه‌های پیوریتانی این فواید منوط به «تایید» فرد در مقابل سایر انسان‌ها به معنای تایید اجتماعی وی بود. این دو جنبه، یکدیگر را در جهت واحد تکمیل می‌کردند و به این ترتیب به «روح» سرمایه‌داری جدید، در زاین خنق و خوی خاص خویش یعنی خلق و خوی بورژوازی جدید پاری می‌رسانند.